

راهکارهای ایجاد گرایش به آخرت در قرآن کریم

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان*

مقدمه

گرایش‌های آدمی، مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند و به انتخاب‌های او جهت می‌دهند. یکی از مؤثرترین گرایش‌ها، میل و کشش به سمت آخرت است؛ مقصود خصوص بینش به معنای باور و اعتقاد درونی به وجود زندگی پس از مرگ نیست، بلکه مرتبه‌ای بعد از آن یعنی میل و گرایش به جهان بعد از مرگ مدنظر است. این میل و گرایش آثار فراوانی نظیر تقوای الهی، انگیزه برای انجام عمل صالح، اخلاص ورزیدن، آرامش قلبی و حصول بهداشت روانی و نظیر آن را در پی خواهد داشت؛ همچنین این میل و گرایش، میل و گرایش‌های شهوانی و لذت‌های ناپسند انسانی را مدیریت می‌کند. امام علی علیه السلام یاد مرگ را اصلاح‌کننده انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خواند: «أَلَا فَانْذَرُوا هَادِمَ النَّذَاتِ وَ مُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ؛^۱ به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید».

گرایش به آخرت و نهادینه کردن آن در وجود انسان، افزون بر فوایدی که برای فرد او دارد، مسیر هدایت و نجات حیات جمعی را نیز هموار می‌کند. امنیت اجتماعی، نشاط و امیدواری عمومی، پرهیز از اسراف، مصرف‌گرایی و مسابقه ثروت‌اندوزی و تحقق عدالت اجتماعی اموری هستند که بی‌شک با ترویج گرایش به آخرت در سطح جامعه تقویت و تحکیم خواهند شد.

در قرآن کریم حضرت شعیب علیه السلام قوم خود را از قیامت بیم می‌دهد تا از آلودگی اقتصادی،

* عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۴۵.

کم‌فروشی و تقلب در معاملات دوری کنند: «وَلَا تَنْفُسُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ»^۱ ای قوم من، ... پیمان‌ه و وزن را کم نکنید [و دست به کم‌فروشی نزنید]. من شما را در خیر و خوبی می‌بینم و از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم).

در جامعه کنونی هرچند اکثریت مسلمان هستند و در سطح شناخت جهان پس از مرگ را قبول دارند، این امر در حد گفتارهای تقلیدی یا درنهایت استدلال‌های علمی باقی مانده است و گره خوردن این اعتقاد با قلب افراد جامعه و درونی‌سازی شدن آن کمتر رخ داده است.

به‌هرحال نظر به فواید فردی و اجتماعی گرایش به آخرت، بسیار ضروری است؛ در این نوشتار راه‌هایی که می‌توان از طریق آنها به این گرایش دست یافت، مورد مطالعه قرار گرفته است. این مقاله کوتاه می‌کوشد با استناد به برخی از آیات قرآن کریم، پاره‌ای از این راهکارها را بیان کند. از یک منظر می‌توان مهم‌ترین عوامل تقویت گرایش به آخرت را در سه عنوان ذیل تبیین کرد.

۱. تصحیح بینش‌ها

هرچند بینش و گرایش دو امر مستقل از یکدیگرند و تلازم قطعی ندارند، بی‌شک گرایش‌ها از طریق تعمیق و تصحیح بینش‌ها رنگ می‌پذیرند و تقویت می‌شوند؛ به همین دلیل قرآن کریم به تفکر و اندیشه در مورد جهان آخرت تأکید کرده است^۲ و نزدیک به یک‌سوم آیات قرآن کریم، پیرامون زندگی آخرت نازل شده است؛^۳ همچنین صفحه‌ای از مصحف شریف نیست مگر اینکه به گونه‌ای به جهان پس از مرگ پرداخته است.

این همه اهتمام به آخرت، نشان‌دهنده نکته بسیار مهمی است که شاید در تلاش‌های دینی مبلغین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگر بتوان این‌گونه استدلال کرد که چنانچه قرآن ثلث کمی آیات خود را به قیامت اختصاص داده است، آن‌گاه مبلغین نیز باید ثلث کمی تبلیغ خود را متمرکز روی این مسئله کنند؛ در نتیجه وضعیت تبلیغ از این نقطه مطلوب فاصله قابل توجهی دارد.

در قرآن کریم تصحیح و تقویت بینش درباره زندگی پس از مرگ به گونه‌های مختلفی مورد

۱. هود: ۸۴.

۲. انعام: ۳۲؛ عنکبوت: ۶۴.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۴۱.

تأکید قرار گرفته است که برای نمونه به سه مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱. شناخت اسامی و اوصاف قیامت

قیامت در قرآن کریم و روایات اسلامی با نام‌های مختلف و با اوصاف متعدد معرفی شده است. برخی از مفسرین این اسامی را تا صد مورد برشمرده‌اند. ذکر نام‌ها و ویژگی‌های متعدد برای قیامت، به روشنی نشان می‌دهد خداوند متعال خواسته است زوایای مختلفی که در حیات اخروی وجود دارد را برای ما نمایان کند و از این طریق بیشی کامل‌تر به ما اعطا نماید. وقتی قرار است بعد از زندگی محدودی در این دنیا، به سرای دیگری منتقل شویم و در آنجا حیات جاودانه داشته باشیم، هیچ چیز مهم‌تر از شناخت آن سرای دیگر و دانستن ویژگی‌ها و خصوصیات آن نیست و به هر میزان که شناخت ما از جایی که به آن سفر خواهیم کرد بیشتر باشد، گرایش ما به آن مقصد و برنامه‌ریزی ما برای بهتر زیستن در آن با دقت بیشتر دنبال می‌شود. به هر روی معرفی اسامی و اوصاف قیامت امر مهمی است که در قرآن کریم اهتمام ویژه‌ای به آن شده است. برخی از این اسامی با ذکر آیات قرآنی مشتمل بر آنها به شرح ذیل هستند:

الف. آخرت

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعَىٰهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»^۱. آخرت مؤنث آخر در برابر اول است و همان‌گونه که از این جهان به «اولی» تعبیر شده است، از جهان پس از دنیا نیز به «آخرت» تعبیر می‌شود.^۲

این نام که مشهورترین نام زندگی پس از مرگ است، این نکته مهم را منتقل می‌کند که اینجا که هستیم اول راه است و مقصد و منتهای حرکت انسان نیست و آدمی باید برای زندگی جاودانه در جهانی غیر از این جهان اول مهیا باشد. تا قسمت ماست برگ برگ افتادن چون غنچه ز بارش تگرگ افتادن در زمرة بهترین عبادات بُود با هر نفسی به یاد مرگ افتادن

ب. يوم الحسرة

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۳. قیامت روز پشیمانی و

۱. اسراء: ۱۹.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۸ - ۶۹.

۳. مریم: ۳۹.

ندامت است. نیکوکاران حسرت می‌خورند که چرا بیشتر اعمال نیک نداشتند و زشت‌کاران حسرت می‌خورند که چرا فرصت کار نیک را از کف داده‌اند.^۱ علامه طباطبایی علت این حسرت را چنانچه در آیه بیان شده است، قضای امر و حتمی شدن اراده الهی می‌داند. توضیح اینکه در آن روز فرصت زندگی دنیا که موجب نور چشم ما بود و می‌توانست نهایت سعادت را برای ما فراهم آورد، به قضای الهی خاتمه یافته است و چنین موقعیتی جایگاه حسرت و پشیمانی است.^۲

برادر جان! اجل در هر نفس با ماست، باور کن

نشان مرگ در هر عضو ما پیداست، باور کن

رفیقان را وفایی نیست در دنیا ولی بشنو

از آنان بی وفاتر با تو این دنیاست، باور کن

اگر خلق جهان گردند یار آدمی، بالله

چو انسان از خدا گردد جدا، تنهاست، باور کن

گنه بسیار کردی و نمی‌دانی پس از مردن

هزاران شیون و فریاد و واویلاست، باور کن

ج) یوم الفصل

«هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ»^۳ سرای آخرت، روز جدایی است. در دنیا مؤمن و کافر و صالح و طالح در کنار هم هستند؛ اما در قیامت از یکدیگر جدا می‌شوند و حکم متفاوت الهی در مورد آنها جاری می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اهل اطاعت با تکریم و تعظیم وارد بهشت می‌گردند و

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۹۵.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵۰.

۳. صافات: ۲۱.

اهل معصیت با خفت و خواری راهی جهنم می‌شوند.^۱

د) یوم التلاق

«رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ».^۲
قیامت هنگامه تلاقی و ملاقات است؛ ملاقات آدمی با باطن رفتار و کردار خویش، ملاقات مؤمن و کافر، ظالم و مظلوم و مانند آن^۳ و هنگامه به هم رسیدن و ملاقات هر دوگانه دیگری که گمان می‌شد به هم نخواهند رسید. این ملاقات عمومی مقدمه‌ای برای رسیدن و حکم در مورد تمام افراد انسان است و در این روز تلاقی بزرگ رخ خواهد داد و به دنبال آن فصل دقیق و عادلانه نیز در آن رقم خواهد خورد.

ه) یوم التغابن

«يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ».^۴ روز تغابن به معنای روز آشکارشدن زیان‌هاست. در قیامت اهل سعادت غابن و برنده خواهند بود و اهل شقاوت مغبون، بازنده و زیان‌دیده و این اتفاقی است که هرچند در دنیا خلاف آن مورد قضاوت قرار می‌گیرد، در آخرت باطن حقیقی برنده و بازنده نمایان خواهد شد.^۵

۱-۲. بازگشت به سوی خدا

یکی دیگر از نکاتی که در زمینه اصلاح بینش نسبت به آخرت در قرآن کریم مورد تأکید است، مسئله بازگشت به سوی خدا است. از آنجاکه دنیا محل غفلت و فراموشی است، انسان‌ها از جایی که آمده‌اند و به سوی آن بازخواهند گشت، غفلت می‌کنند؛ اما یکی از مهم‌ترین وظایف دین، غفلت‌زدایی در این نقطه است.

این مضمون در آیات متعددی از قرآن کریم تکرار شده است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۶

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۸۹.

۲. غافر: ۱۵.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۵۵.

۴. التغابن: ۹.

۵. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۱۰.

۶. بقره: ۱۵۶.

«اللَّهُ يَبْدُؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛^۱ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^۲ و «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»^۳.

در آیه آخر «منتهی» مصدر میمی به معنای انتهاست. خداوند در این آیه به طور مطلق انتهای هر چیزی دانسته شده است؛ زیرا هر آنچه در هستی است، به وجود او منتهی می شود و تمامی نظامات جاری در عالم از فیض وجود او سرچشمه می گیرد.^۴ آری، این جمله که «ما از خداییم»، اقرار به بندگی ما و مالکیت اوست و این جمله که «به سوی خدا بازمی گردیم»، یقین به زندگی پس از مرگ و بازگشت به خدای متعال است.^۵

۳-۱. مقایسه دنیا و آخرت

دنیا و آخرت در برخی از آیات قرآن مقایسه شده اند. توجه به ویژگی های این دو سرا، گرایش انسان به قیامت را تقویت خواهد کرد؛ زیرا ویژگی های آخرت بسی برجسته و ارزشمندتر هستند. در ادامه برخی از ویژگی های آخرت در مقابل دنیا را از منظر قرآن کریم بیان می کنیم.

الف) دنیا بازی و سرگرمی و آخرت زندگی واقعی!

زندگی دنیا حقیقتاً شبیه بازی است. فرد ناسپاس عمری کوتاه یا نسبتاً طولانی را برای راحتی و آسایش در این دنیا صرف می کند و پس از عمری تلاش یک باره بدون اطلاع قبلی از این دیار رخت برمی بندد و جام مرگ را سر می کشد. اگر مرگ نقطه نهایت حیات آدمی باشد، به راستی آنچه در دنیا بوده است، حیات و زندگی به معنای واقعی کلمه نبوده است، بلکه بازی و سرگرمی زودگذر بوده است. حیات واقعی در سرای جاودان معنا پیدا می کند و قرآن کریم به این نکته مهم توجه می دهد: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ».^۶ حیوان از ماده حیات به معنای زندگی، مصدری است که در آن معنای جوشش و حرکت اشراب شده است مانند «غلیان».^۷ این مصدر نشان می دهد حقیقت حیات و حرکت و

۱. روم: ۱۱.

۲. بقره: ۲۰۳.

۳. نجم: ۴۲.

۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹.

۵. احمد مصطفی مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲، ص ۲۵.

۶. عنکبوت: ۶۴.

۷. محمدطاهر ابن عاشور، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۲۰۲.

غلیان آن در این دنیای فانی و زودگذر رقم نمی خورد، بلکه جوشش زندگی را باید در سرای آخرت جست.

ب) دنیا خوب اما آخرت خوبتر!

زندگی دنیا به حکم خاتمه داشتن آن نوعی بازی و سرگرمی است، اما بی شک امری ذاتاً بد و مذموم نیست. دنیا مزرعه آخرت و مقدمه رقم زدن سعادت در آن سرای جاودان است؛ پس بدون شک می تواند منشأ خوبی باشد. اما آخرت در مقابل این بازی زودگذر و البته سودمند و نافع، به مراتب بهتر و خوبتر است؛ شاید به همین دلیل در قرآن کریم آخرت برای اهل تقوا که زندگی زودگذر دنیا را ابزاری برای اصلاح آخرت خود قرار داده اند، خیر و خوبتر دانسته شده است؛ همان طور که آمده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۱.

ج) دنیا محل نمایش به دیگران و آخرت محل توجه به خویشتن!

در سوره «حدید»، دنیا با تعابیری نظیر زینت، تفاخر، تکاثر و متاع فریبنده توصیف شده است: «اغْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ... زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ»^۲. ممکن است این تعابیر به این نکته اشاره داشته باشند دنیا محلی است که نوعاً انسان های ناسپاس آن را فدای نمایش دادن خود به دیگران می کنند. انسان های ناسپاس در این بستر به دنبال زینت بیشتر، فخرفروشی و مسابقه ثروت اندوزی هستند و درحقیقت متاع دنیا که بستر این زینت ها و تکاثرها را برای آنها آماده می کند، آنها را فریفته است؛ اما آخرت محل بازگشت به خویشتن است و نمایش های این چنینی در آنجا رونق ندارد.

د) دنیا خاتمه پذیر و فانی و آخرت پایدار و باقی

از منظر قرآن کریم زینت های دنیا مانند گیاهانی است که باران آنها را سبز کرده و ناسپاسان از دیدن آنها اعجاب می کنند: «كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ»^۳ و غفلت دارند که همه آنها به زودی زرد و پژمرده خواهند شد. اما در نقطه مقابل آخرت، سرای جاودانه و پایدار است: «وَمَا

۱. انعام: ۳۲.

۲. حدید: ۲۰.

۳. حدید: ۲۰.

أُوتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى». ^۱ آری، آخرت ابقی است و این بدان معناست که دنیا خالی از هرگونه بقا نیست؛ زیرا آنها که به درستی دنیا را محل کشت سعادت اخروی قرار داده‌اند، با همین دنیا سعادت باقی و جاودانه آخرت را رقم زده‌اند.

۲. ترغیب و ترهیب

دومین عاملی که می‌تواند گرایش به آخرت را در وجود انسان‌ها تقویت کند، مسئله ترهیب و ترغیب است. ترهیب به معنای ترساندن و ترغیب به معنای میل و ایجادکردن رغبت است. پوشیده نیست آیات فراوانی از قرآن کریم با ذکر نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های اخروی و یادآوری مکرر آنها به مسلمانان، ترغیب و ترهیب داشته و به عبارتی دیگر ناسپاسان را انداز داده و شکرگزاران را بشارت داده‌اند.

بی‌تردید ترغیب و ترهیب دو اصل تربیتی مهم هستند و از نظر روان‌شناختی انگیزه‌های انسان را تدبیر خواهند کرد. نوزاد انسان با ایجاد ترهیب از آتش فاصله می‌گیرد؛ چنانچه در کودکی نیز سختی درس خواندن و سایر امور را با تشویق و ترغیب والدین پشت سر می‌گذارد. اگر تشویق‌ها و ترساندن‌ها در زندگی بشر از ابتدا نبود، شاید هیچ انسانی از گرفتاری در سختی‌ها و خطرات مصون نمی‌ماند و هیچ انسانی نیز به درجات عالی با سخت‌کوشی و از خودگذشتگی نمی‌رسید.

وعده‌های بهشتی نظیر باغ‌های سرسبز، انگورهای باطراوات، نوشیدنی‌های پاکیزه، ^۲ رودهای جاری در باغ‌های پر نشاط ^۳ و مانند آن و نیز وعده‌های جهنمی نظیر آتش شعله‌ور؛ ^۴ خلود در عذاب خوارکننده؛ ^۵ صداهای مهیب و فرارکردن از خویشان و نزدیکان؛ ^۶ نوشیدن از چشمه‌های سوزان و خوردن از خارهای خشک و تلخ و بدبو ^۷ و مثل آن در قرآن کریم به وفور مطرح شده است.

۱. قصص: ۶۰.

۲. انسان: ۲۱.

۳. بقره: ۲۵.

۴. فرقان: ۱۱.

۵. نساء: ۱۴.

۶. عبس: ۳۳ - ۳۷.

۷. غاشیه: ۴ - ۷.

گاهی در فضای مجازی و غیر آن گفته می‌شود چگونه خدایی که در دنیا روابط جنسی را چنین محدود کرده است، در آخرت آن را نعمت بهشتی قرار داده است؟! یا چطور شرابی که اینجا نجس و حرام است، آنجا از نعمت‌های بهشتی است؟! این قبیل سؤالات در واقع به بی‌اثر شدن اصل ترغیب و ترهیب می‌انجامد؛ از این رو پاسخ به آنها بسیار مهم است و در این مجال به جای شماره و طرح آیات و روایاتی که متضمن ترهیب و ترغیب هستند، مناسب است توضیح مختصری را در مقام پاسخ ارائه کنیم.

قواعد آخرت نباید با دنیا یکسان‌انگاری شود. زندگی پس از مرگ در جهانی دیگر شکل می‌گیرد که نظامات و قوانین خودش را دارد. صرف نظر از اینکه شراب وعده داده شده به بهشتیان^۱ یک نوشیدنی پاک است و هیچ ارتباطی با خمر ندارد، اساساً نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنمی به طور کلی نمونه و نظیر در عالم ماده ندارند و یکسان‌انگاری آنها از اساس غلط است. به همین دلیل در قرآن کریم از دانش به این نعمت‌ها از همگان نفی شده است^۲ و در روایات اسلامی نیز تصریح شده است نه تنها هیچ چشم و گوش نمونه این نعمت‌ها را ندیده است، بلکه بر ذهن هیچ بشری نیز تصویری از آنها خطور نخواهد کرد.^۳

در مقام مثال عالم دنیا در مقابل آخرت، نظیر رحم مادر در مقابل جهان خارج برای جنین است. چنانچه جنین در آن حیات کوتاه خود در رحم مادر هیچ‌یک از واقعیت‌های جهان بیرون را ندیده و لمس نکرده است، انسان نیز در نشئه عالم ماده چنین وضعیتی دارد و درک او از واقعیت‌های جهان آخرت و تصویری که از آنها در ذهن خود می‌سازد، فراتر از مشاهدات دنیوی خود نخواهد بود و حقیقت زندگی آخرت را بعد از رفتن به آن دیار درک خواهد کرد. بر این اساس آیات و روایاتی که بهشت و جهنم را ترسیم می‌کنند، نه بیان‌کننده جزئیاتی مادی و این جهانی برای آنها، بلکه بیان‌کننده توصیفاتی تقریبی هستند تا اصل وجود نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های اخروی برای ما از جهل کامل خارج شوند.

از نظر علامه طباطبایی به همین دلیل در برخی آیات قرآن در مقام بیان نعمت‌های بهشتی از تعبیر «مثل الجنة» استفاده شده است. از نظر ایشان این توصیفات نه صفت بهشت، بلکه مثالی از آن هستند؛ در نتیجه بهشت بالاتر از آن است که در توصیف بگنجد و الفاظ توان تشریح آن را

۱. انسان: ۲۱.

۲. سجده: ۱۷.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۵.

داشته باشند و آیات قرآن کریم صرفاً با این مثال‌ها نوعی تقریب ذهن از واقعیت بهشت را ایجاد کرده‌اند؛ به همین دلیل در آیه ۱۷ سوره «سجده» می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ»^۱.

نکته دیگری که در این مقام توجه به آن ضروری است، این است که اصل در نعمت‌های بهشتی نه از جنس مادی و در نتیجه قابل تطبیق با لذت‌های دنیایی، بلکه از سنخ امور معنوی است؛ به همین دلیل در سوره «توبه» بعد از سخن گفتن از باغ‌ها و نه‌رهای جاری بهشت و خانه‌های پاکیزه، می‌فرماید: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۲. رضایت الهی از اهل بهشت، اصل و ریشه همه خیرات است و از نعمت‌های مادی و جسمانی برتر است. ضمیر فصل و معنای حصر در انتهای آیه نیز این نکته را تأکید بیشتر می‌کند که این رضایت روحانی است که رستگاری بزرگ در روز قیامت محسوب می‌شود نه صرف بهره‌مندی از حور و قصور که نعمت‌های مادی را به ذهن متبادر می‌کنند.^۳

۳. تربیت خانوادگی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در گرایش به آخرت، تربیت خانوادگی است. خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که انسان در آن رشد کرده و تربیت می‌شود و نه تنها بینش‌ها و باورهای او در این بستر شکل گرفته و تحکیم می‌شوند، بلکه میل‌ها و گرایش‌های او نیز در این نهاد مقدس است که پی‌ریزی و تثبیت می‌گردند. بنابراین مسئله گرایش به آخرت باید از همان محیط خانواده در اولویت قرار گیرد و پدر و مادر نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی میل فرزندان خود به پاک‌زیستن و باورداشتن و گرایش داشتن به حیات اخروی دارند.

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ»^۴؛ بر این اساس مؤمنین تنها مکلف به مراقبت از خویشان نیستند، بلکه لازم است اهل خود را نیز از آنچه برای آنها مضر است محافظت کنند. البته اهل در این آیه اختصاص به اعضای خانواده ندارد و تمامی نزدیکان و عائله انسان را دربر می‌گیرد؛ حتی مردم در برابر زمامداران را نیز شامل می‌شود.^۵ اما روشن‌ترین

۱. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸.

۲. توبه: ۷۲.

۳. محمدطاهر ابن‌عاشور، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور، ج ۱۰.

۴. تحریم: ۶.

۵. محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۲۸، ص ۴۴۲.

مصدق آن خانواده، همسران و فرزندان هستند. نقل شده است پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به برخی کودکان نگاه کردند و فرمودند: «وای بر فرزندان آخرالزمان، به خاطر پدرانی که دارند». اصحاب گمان کردند سخن ایشان ناظر به پدران مشرک در آخرالزمان است؛ اما ایشان فرمود: «لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ بَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بِرَاءٌ»^۱. شورمندانه امروزه والدین زیادی مصداق این روایت هستند. آنها به امور جسمانی، تغذیه، تفریح، تحصیل و سایر امور مادی فرزندان خود توجه زیاد دارند و هزینه‌هایی زیادی را صرف این امور - که البته در جای خود اموری ضروری هستند - می‌کنند؛ اما از تربیت دینی آنها غفلت دارند و برای باورمندی و ایمان آنها کمتر دغدغه دارند و تلاش نخست آنها اصلاح دنیای فرزندان خویش است و چنانچه از آخرت خود غفلت دارند، از آخرت‌گرایی فرزندان خود نیز غافل شده‌اند.

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، [بی تا].
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: بنیاد نهج البلاغة، ۱۳۷۲ ش.
۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: المطبعة الحیدریة، [بی تا].

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۶.

۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنة، تهران: فرهنگ اسلامي، ۱۴۰۶ ق.
۸. طباطبائي، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۵۲ ش.
۹. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، تحقيق: فضل الله يزدي طباطبائي، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: محمد محسن آقابرگ تهراني و احمد حبيب عاملي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، [بي تا].
۱۱. مراغي، احمد مصطفي، تفسير المراغي، بيروت: دار الفكر، [بي تا].
۱۲. مصباح يزدي، محمدتقي، آموزش عقايد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. مكارم شيرازي، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية و مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ۱۳۷۴ ش.